

علیه سیاست های ضد کارگری
دولت روحانی،
با همه ابزار موجود اعتراض کنیم



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
شنبه ۲۳ مرداد ۱۳۹۵ / ۱۳ آگوست ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۴۶

بریتانیا
"پیشنهاد مبلغ هنگفت"
به کارگران،
به جای حق بازنشستگی
صفحه ۶

تحلیل هفته

تسلیم در کار نیست؛ مقاومت و مبارزه ادامه دارد!



صادق کار

پرونده سازی مشابه که علیه جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی، دو تن از رهبران "اتحادیه آزاد کارگران"، در جریان است این دو فعال سندیکایی نیز قرار است که دوباره به خاطر کارهای ناکرده، صرفاً به دلیل فعالیت سندیکایی و پیگیری مطالبات کارگران محاکمه شوند. بر اساس خبرهای دیگر ده ها فعال کارگری، در تبریز، زنجان، عسلویه، زرنده ... نیز بخاطر شرکت در اعتراضات کارگری اخراج و برایشان پرونده تشکیل داده‌اند و اگر آزادی و بازگشت به کار آنها توسط همکارانشان پیگیری نمی شد با توجه به اجماعی که در بین طیف های مختلف حکومتی بر سر سرکوب هر نوع مقاومتی که از هر سو بر سر راه "ارزان سازی نیروی کار" وجود دارد و مقامات دولتی با بیشرمی و گستاخی علناً آن را به سرمایه‌داران عرضه می کنند، یقیناً با نظر داشت مقاومت های اعتراضی کارگری گسترده‌ای که سراسر کشور را در بر گرفته، شمار اخراجی ها و زندانی شده ها بیش از این بود که هست.

محکومیتش در فروردین سال ۱۳۹۱ از زندان آزاد شد، و در میان استقبال گرم همکارانش و عده‌ای از فعالین سندیکایی به خانه و فعالیت بازگشت، ولی از همان ابتدای آزادیش پرونده سازی علیه وی توسط دستگاه های امنیتی و قضایی با هدف واداشتن وی به رها کردن فعالیت سندیکایی ادامه یافت. اما پس از آن که این تهدیدات نتوانست این فعال برجسته و محبوب جنبش سندیکایی را از فعالیت سندیکایی و پیگیری مصممانه‌اش در دفاع از حقوق کارگران باز دارد، دوباره تصمیم به محکومیت وی با اتهاماتی کردند که اساساً او با آنها بیگانه است. اما دایره بگیر و ببند فعالان مبارز کارگری، محدود به وی نمانده، قبل از محکومیت مددی، بی دادگاه انقلاب اسلامی، داود رضوی و رضا شهبابی دو تن دیگر از اعضای سندیکای واحد را که همچنان به همت رهبرانش و حمایت اعضای سندیکا توانسته سرپا بماند را باردیگر با اتهاماتی مشابه، به ترتیب به پنج و یک سال زندان محکوم کرد. علاوه بر اینها طبق یک

به گزارش سایت سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب بتازگی ابرهیم مددی یکی از اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه را به ۵ سال و سه ماه حبس تعزیری محکوم کرده است. ظاهراً دلایل صدور این حکم که از طریق آقای صالح نیکبخت، وکیل برای آقای مددی ارسال شده، همان اتهام مشهور ساختگی و تکراری "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور و اخلال در نظام عمومی از طریق حضور در تجمعات غیر قانونی"، بوده است، که تمام فعالان کارگری و مدنی دیگر را نیز با تمسک به آن سال هاست که محاکمه و محکوم کرده‌اند. در سال ۱۳۸۹ نیز با تمسک به این عناوین ساختگی نیز آقای مددی را در واقع به دلیل فعالیت سندیکایی و دفاع از حق و حقوق رانندگان و کارکنان شرکت واحد بازداشت و به سه سال و نیم زندان محکوم کردند. مددی پس از گذراندن دوران



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۲۳ مرداد ۱۳۹۵ / ۱۳ آگوست ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۴۶

این وضع جهنمی را دگرگون کرد. در هر صورت مرتجعان ضد کارگر بدانند، که کارگران تسلیم نخواهند شد. مقاومت ها تا رسیدن به نتایج مطلوب ادامه خواهد یافت و تشدید سرکوب فعالان کارگری تنها به انزجار، انسجام و مقاومت بیشتر کارگران، منجر خواهد گردید. بهتر است تا دیر نشده، مقامات مسئول حق و حقوق سندیکایی و شهروندی کارگران را به رسمیت بشناسند، به این محاکمات ظالمانه، پایان دهند و کارگران زندانی را آزاد کنند.

خبرهای رسیده نیز حکایت از تشدید این بگیرو بیندها دارد. هم از این رو چنان که تجربیات مبارزاتی کارگران در دهه گذشته نیز موید آن است، با گسترش اعتراضات، بهبود سازماندهی و اتحاد همبستگی، بویژه میان سازمان ها و تشکل های کارگری و جلب حمایت گروه ها و جنبش های عدالت خواه ست که می توان تعرض لجام گسیخته و گستاخانه مرتجعین حاکم علیه حقوق و معیشت و کرامت انسانی کارگران را درهم شکست. خوشبختانه مقاومت به رغم همه سرکوب های وحشیانه پاسداران رنگارنگ حلقه بگوش سرمایه، گسترده و روحیه و آگاهی برای تداوم این پیکار حق طلبانه و سرنوشت ساز بالاست و همین موضوع نیز بدرستی در اعلامیه واکنشی سندیکای واحد، در آنجا که می نویسند: "این گونه پرونده سازی و برخوردهای امنیتی علیه فعالان کارگری و سندیکایی و صنفی هرگز نمی تواند کارگران و فعالان سندیکایی و صنفی را از حق خواهی و درخواست مطالبات به حق شان عقب براند و حق ایجاد تشکل سندیکاها و تشکل های مستقل کارگری را حق مسلم تمامی کارگران می داند. " سبب شده، که کار از میان برداشتن قوانین حمایتی و همه حق و حقوق کارگر، ۳۷ سال به درازا بکشد. مسلما اگر این همه پراکندگی در میان سازمان های کارگری وجود نمی داشت، وضعیت جنبش کارگری امروزه چنان نبود که دولت مردان پس از ۳۷ به خودشان جرات چنین گستاخی هایی را بدهند و آشکارا از ارزان سازی نیروی کار، رواج بیگاری و بی قانونی سخن بگویند و رهبران واقعی کارگران را به زندان و شلاق محکوم کنند. بر بستر مقاومت های موجود در پرتو اتحاد و همبستگی همه سازمان ها و تشکل های کارگری می توان و باید،

از تجربه دیگران

فدراسیون اتحادیه های کارگران نفت و دموکراسی در عراق

(بعد از صدام حسین)

"بخش سوم"

دکتر بنیامین عیسی خان

مرکز تابعیت جهانی و گلوبالیزاسیون دانشگاه دیکین استرالیا

مقاومت در برابر اشغال خارجی و اوج گیری استبداد

اخبار پیروزی اتحادیه کارگران نفت جنوب در کل صنعت نفت عراق پیچیده بود و در فوریه ۲۰۰۴ وقتی که وزیر نفت از تأسیسات شبکه و خط لوله در بصره بازدید کرد، کارگران نه فقط خواستار آن شدند که اتحادیه نفت جنوب و رئیس آن، الاسدی، از آنان نمایندگی نماید، بلکه خواستار توافق مشابه با رفقای شان در صنعت نفت جنوب برای حقوق های خود شدند. برای آن که موضع آنان روشن باشد کارگران خط لوله بصره هم برای ۴ ساعت صدور نفت را از بصره متوقف کرده و دست از کارکشیدند. این اقدام در عین حال نشاندهنده یک روند گسترده در کل صنایع نفت عراق بود. صنایع نفت جنوب به طور فزاینده ای به عنوان پیشرو و راهبر و مطمئن ترین نماینده حقوق کارگران نفت در سراسر کشور و در مقابل اشغال نظامی دیده می شد. در نتیجه بزودی اتحادیه جنوب با پیوستن ده ها اتحادیه کوچک تر در گستره صنعت نفت عراق روبرو شد و در ماه ژوئن ۲۰۰۴ نام خود را به اتحادیه عمومی کارگران نفت

(The General Union of Oil Employees – GUOE)



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۲۳ مرداد ۱۳۹۵ / ۱۳ آگوست ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۴۶

عدالانه ای از منابع خویش را درخواست کنیم."

در پاسخ به این اقدام توده ها، دولت عراق در ماه اوت ۲۰۰۵ فرمان ۸۷۵۰ را صادر کرد که بموجب آن بطور مشخص اختیارات اتحادیه ها محدود شده و از دریافت حق عضویت، تملک املاک و سپرده های مالی محروم گردیدند. این فرمان شامل تمام اتحادیه ها، حتی آنها که بعد از سقوط رژیم تأسیس شده بودند، می شد. تنها استثنا در این میان فدراسیون عمومی کارگران عراق بود که در سپتامبر ۲۰۰۵ به عجله از تلفیق اتحادیه عمومی بعثی سابق و چند اتحادیه کوچک طرفدار دولت تشکیل شده بود. اساساً باید در نظر داشت که حمله به تمام اتحادیه های موجود، بجز آنها که وابسته به دولت بودند، خود سیاست معمول و بازمانده از دوران بعث بود، که آزادی مردم عراق را برای تشکل صلح آمیز و سازماندهی و اعتصاب بشدت منع می کرد. عملاً اما این فرمان نتوانست جلوی فعالیت الاسدی را بگیرد. او کماکان در میان کارگران نفت فعال بود و نام اتحادیه را اکنون به فدراسیون عراقی اتحادیه های نفت (The Iraqi Federation of Oil Unions – IFOU) تغییر داده بود و حالا تعداد اعضایش نیز به بیش از ۲۶۰۰۰ نفر افزایش یافته بود.

بدنبال انتخابات دسامبر ۲۰۰۵ به مدت شش ماه بن بست سیاسی در عراق پدید آمده بود که در نهایت با معرفی یک سیاستمدار ناشناخته بنام نوری الملکی از حزب الدعوه برای پست نخست وزیری پایان یافت و دولت او سرانجام در ماه مه ۲۰۰۶ تشکیل شد. در طی دو سال بعدی عراق به دوران سیاه جنگ های مقاومتی که مابین ارتش عراق و نیروهای اشغالگراز یک سو و مبارزه جویان قومی و گروه های تروریستی از سوی دیگر درگرفته بود، نزل کرد. درگیری های رقابتی بین میلیشیای وابسته به دستجات تفرقه انداز قومی-مذهبی هم باعث کشتارهای بسیار گردید.

اتحادیه های مختلف عراقی نیز، عمدتاً بواسطه ایدئولوژی و کنش هایشان، هدف حمله گروه های رقیب قرار گرفتند، اعضایشان به اسارت گرفته می شدند، زندانی و شکنجه می شدند. برخی حتی بقتل رسیدند. در دفاترشان بمب گذاری می شد و فعالیت هایشان بشدت محدود و مخاطره آمیز شده بود. معذالک در ۲۲ اوت ۲۰۰۷ تعداد ۷۰۰ نفر از اعضای فدراسیون عمومی اتحادیه های نفت عراق IFOU دست به اعتصاب زدند تا حقوق معوقه خود را دریافت نمایند و خواستار افزایش اشل حقوقی و پرداخت اضافه کاری و بهبود شرایط کار شدند. اعتصاب باعث قطع انتقال نفت از جنوب به بغداد هم شد. این وضع باعث شد فوراً قول های مساعدی برای رفع مشکلات و اعتراضات از طرف وزارت نفت داده شود. اما پس از آن که دولت نتوانست به قول های داده شده جامه عمل بپوشد IFOU مجدداً از ۴ سپتامبر به اعتصاب بازگشت



تغییر داد. با ۲۳۰۰۰ عضو، اتحادیه عمومی از چنان نفوذی برخوردار بود که محال بود تصمیمی در بغداد گرفته شود و به عکس العمل اتحادیه توجه اکید نشود.

در ماه مه سال ۲۰۰۵ اتحادیه عمومی با برگزاری یک کنفرانس بزرگ بین المللی برای مبارزه با خصوصی سازی نفت عراق عملاً به قدرت نمائی دست زد و برنامه ایالات متحده برای خصوصی سازی نفت عراق را که از حمایت بخشی از سیاستمداران عراقی هم برخوردار بود، هدف مستقیم خود قرار داد. کنفرانس از اعضای پارلمان عراق خواست که بشدت در مقابل فشار سیاسی موجود و فرمان هایی برای اجرای خصوصی سازی بخش های ملی و بویژه نفت عراق ایستادگی کنند. تا ژوئن ۲۰۰۵ حدود ۱۵۰۰۰ نفر از کارگران عضو اتحادیه عمومی برای ۲۴ ساعت دست از کار کشیدند. این اقدام تمام صادرات نفت از جنوب عراق را متوقف کرد. این اعتصاب در حمایت از درخواست استاندار بصره محمد الویلی صورت گرفت. او درخواست کرده بود بخش بیشتری از عایدات نفت بصره صرف برنامه های عمرانی و سایر نیازهای عاجل مردم منطقه مانند تأسیسات آب و فاضلاب و برق، بهداشت، آموزش، بیکاری و فقر گسترده گردد. در آن زمان بیش از ۲۰٪ کل عایدات نفتی صرف بودجه وزارت دفاع می شد در حالی که زیرپایه تأسیسات بنیادی عراق در حال نابودی بود. الویلی گفته بود که "در حالی که با شرایط ناعادلانه ای روبرو ایم، وظیفه اخلاقی به ما حکم می کند که بنام مردم خودمان بهره بری از درصد



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۲۳ مرداد ۱۳۹۵ / ۱۳ آگوست ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۴۶

اخبار خارجی

ژاپن آیا اعتصاب در ژاپن منسوخ شده است؟

شرکت سوتسو اعلام کرد که شکایات بسیاری را بابت به هم ریختن برنامه کار افراد دریافت کرده است، اما همچنین نوعی از اعجاب در میان بسیاری از وضعیتی که هم اکنون مشهود است.

تبعات اجتماعی این وضع نیز مشهود اند. حدود یک سوم مردمی که وضع شان پسرفت داشته است، از این می ترسند که وضع فرزندانشان در آینده، از این هم بدتر شود. منفی ترین نظرات در باره آزادی تجارت با دیگر کشورها و مهاجرت نیز به این گروه تعلق دارد. بیش از نیمی از آحاد این گروه بر این نظر است که ورود آزاد کالاها و خدمات باعث از نابودی مشاغل در "کشور خودی" می شود. این در حالی است که فقط یک چهارم کسانی دانشجویان مشاهده می شد که برای اولین بار "شرایط غیرعادی" را تجربه کرده بودند. آیا در زمانهای فاجعه و تراژدی با وضع مشابهی روبرو خواهیم شد؟ بسیار خوب، قطارها از زمان اولین قطار که بایست حرکت می کرد تا ساعت ۷ صبح، یعنی کلاً به مدت ۲ ساعت، از حرکت بازایستاده بودند. بنابراین برنامه کار دستخوش تغییر عجیب و غریبی نشده بود. اگرچه از برخورد مثبت دانشجویان به اعتصاب خوشحالم، اما این واقعه مبین بروز نادر اعتصاب در جامعه امروز ژاپن بود؛ واقعیتی که من را غمگین می کند. چرا اعتصاب در ژاپن به رویدادی نادر تبدیل شده است؟ دلایل از این قرار اند:

- کار در قطعات کوچک موقتی، که توسط یک کارگر اعزامی هم می تواند انجام شود، ساطوری شده است. این وضع همبستگی

دانشجویان جوانی به کلاس من می آیند که تا کنون چیزی از اعتصاب ندیده و نشنیده اند. این جوانان هیچ پیشداوری یا تصویری از اعتصاب ندارند. اذهانشان به لوح سفیدی می ماند. من به آنها می گویم: "ماده ۲۸ قانون اساسی ژاپن حق کارگران را برای همبستگی تضمین کرده است و این حق، حق اعتصاب را هم شامل می شود." بهت را در نگاه بیشتر آنان تشخیص می دهم. آدم اگر قبلاً اعتصابی ندیده باشد و چیزی در این باره نشنیده باشد، واقعاً برایش دشوار خواهد بود که موضوع را دریابد.

سال گذشته، در یکی از کلاسهایم اتفاقی افتاد که به آموزشی جذاب در مورد معنای اعتصاب انجامید. روز ۱۸ مارس ۲۰۱۴، اتحادیه کارگری شرکت سوتسو، سازنده واگن و اتوبوس مستقر در کاناگاوا، دست به اعتصاب زد. دانشجویان دانشگاهی که من در آن درس می دهم، دانشگاه دخترانه ساگامی، غالباً گروهی سوار قطار و اتوبوس می شوند. با برپائی اعتصاب تعدادی از دانشجویان اطلاع دادند که به علت اعتصاب نمی توانند در کلاس حاضر شوند.

بعضی از دانشجویان "گواهی اعتصاب"ی را به من نشان دادند که در ایستگاه ها توزیع شده بود و گواهی می کرد دارند آن که به علت اعتصاب دیر به محل کار یا مدرسه رسیده است. تصویر این گواهی مثل قارچ از اینترنت و شبکه های اجتماعی سر در آورد و کامنتها حاکی از آن بودند که این گواهی دارای ارزش کلسیونی است.

هیفومی اوکونوکی، ویژه "تایمز ژاپن"، ژوئن ۲۰۱۵

"اعتصاب!"

خواننده عزیز، وقتی این کلمه را می شنوی، چه فکر می کنی؟ این کلمه چه تأثیری را در تو بر می انگیزد؟ آیا خون و عرق و اشک را به یادت خواهد آورد؟ آیا یک آدم رذل عاطل و باطل را برایت ترسیم خواهد کرد که نظم جامعه مدنی را به هم ریخته است؟ من شرط می بندم که آن بخش از مردم ژاپن که هنوز به سن ۴۰ سالگی نرسیده است، تصویری نه مثبت و نه منفی از اعتصاب دارد. این بخش ابداً تصویری از اعتصاب ندارد، زیرا در جامعه امروز ژاپن اعتصاب به رویدادی نادر تبدیل شده است. اما این وضع هرگز ازلی نبوده است.

در سال ۱۹۷۴، ژاپن شاهد ۹۵۸۱ اعتصاب بود که هر کدام بیش از نیمروز طول کشیده بود و ۳۶۲۰۲۸۳ کارگر در آنها مشارکت کرده بودند. در این سال اوج اعتصابات پس از جنگ، من سه ساله بودم. توقف کار رانندگان قطار و اتوبوسها را، که مکرراً اتفاق می افتاد، به خوبی به یاد می آورم. حال به آخرین داده های موجود، که مربوط به سال ۲۰۱۳ است نگاه کنیم: در این سال جمعاً ۷۱ اعتصاب در ژاپن رخ داده اند. من قوانین کار را به نوجوانان و جوانان دانشگاهی درس می دهم. جذابترین مبحث، مبحث اعتصابات کارگری است. سؤالاتی که من طرح می کنم چنین اند: "اعتصاب چیست؟"، "چرا افراد باید به اعتصاب متوسل شوند؟" و "وضع در حال حاضر چگونه است؟"



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
شنبه ۲۳ مرداد ۱۳۹۵ / ۱۳ آگوست ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۴۶



۱۸ مارس ۲۰۱۴: یکی از آخرین اعتصابات در ژاپن

در مشابهت با تروریسم وجود دارد که می کوشد با گروگان گرفتن

مردم به اهداف خود برسد. من هر بار که خبری از اعتصاب می شنوم، همراه با تمام دوستان ژاپنی ام که

در اینجا زندگی می کنند، جداً از کوره در می رویم. من نمی توانم به کسانی که با این همه سهل انگاری دست به چنین اقداماتی می زنند، اعتماد کنم."

و اضافه می کند: "اعتصاب در ژاپن، کشوری که مشتری را عبادت می کند، خشم بی پایان تمام فعالان اتحادیه ای را برمی انگیزد. به نظر، گرچه ممکن است حقوق کارگران در ژاپن اندکی کمتر باشد، اما این کشور به لحاظ عدم وقوع اعتصابات عصب خردکن و مناقشات فرساینده، به مراتب برای زندگی مطبوعتر است."

تعجب می کنم که چگونه کسی با چنین نظراتی نسبت به اعتصابات کارگری، این همه سالهای پرتنش کارگری آلمان را از سر گذرانده است.

کاواگوچی-مان است. او در اشتوتگارت آلمان زندگی می کند و سال گذشته کتاب "زندگی در اروپا، اما ۹ به ۱ به نفع ژاپن" را انتشار داده است. او سال پیشتر هم کتابی را با عنوان "زندگی در آلمان، اما ۸ به ۲ به نفع ژاپن" انتشار داده بود. این عناوین مضحک بخشی از موجی اند که اخیراً در کتابهای ستایشگر ژاپن به چشم می خورند. در مورد خانم کاواگوچی-مان کار به ستایش ژاپن نه فقط نسبت به آلمان بلکه تمام اروپا کشیده است.

او دیدگاهی کاملاً متفاوت نسبت به اعتصاب، که در محل جدید زندگی او مکرراً بروز می کند، دارد. او می گوید: "به نظر من این اعتصاب (اعتصاب لوفت هانزا) چیزی جز باج خواهی نیست. کارگران از اعمال فشار بر مدیریت خشنود اند. اما کشیدن هر چه بیشتر پای مردم به این ماجرا، در حالی که موضوع اصلاً دخلی به آنان ندارد، راه بزدلانه ای برای اعمال فشار بر مدیریت است."

او پا را فراتر می گذارد و می نویسد: "در این اعتصابات چیزکی

- کارگران در محیط کار را به شدت دشوار کرده است.

- اتحادیه های بزرگ در جذب کارگران پاره وقت موفق نبوده اند. بنابراین شانس آنها برای مداخله در منازعات کاری کاهش یافته است.

- کارگران دائماً منزوی تر شده و در نتیجه برای حل منازعات کاری مکررتر به وکیل و دادگاه رو می آورند.

- کارگران اتحادیه ها را به عنوان نهادی بیرون از خود تلقی می کنند؛ نهادی که به هنگام دشواریهای کاری، به آنها کمک خواهد کرد.

- در ژاپن "مشتری خداست" و هارو مینامی خواننده هم این باور را دامن زده است که "مشتری هرچه بکند، ما نباید او را بیزاریم. ما نباید مشتریان مان را، که دارند پول می پردازند، ناخشنود کنیم."

این تعبیر مستقیم از مینامی البته اشتباه است و منظور او تماماً کنائی است. او می گوید: "من به عنوان یک خواننده، اگر در نظر نداشته باشم که در شنوندگان حی و حاضر در سالن خدایند، نمی توانم بهترین اجرا را داشته باشم." با این حال در نیم قرن گذشته این آواز مینامی به سرود کسب و کار ژاپنی تبدیل شده است.

با توجه به این مجموعه می توان فهمید چرا برخیها می گویند: "کارگران مطالبات خودخواهانه شان را به آسایش مشتری مقدم می دانند. آنها نباید در تلاش برای حفظ و بهبود شرایط کارشان پای مشتری را به میان بکشند."

یکی از نویسندگانی که این نظر را اشاعه می دهد، خانم امی



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۲۳ مرداد ۱۳۹۵ / ۱۳ آگوست ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۴۶

بریتانیا "پیشنهاد مبلغ هنگفت" به کارگران، به جای حق بازنشستگی

نلگراف، ۶ اوت ۲۰۱۶

چنان که اخیراً آشکار شده است، برخی از کارفرمایان با پیشنهاد یک مبلغ قابل توجه به جای حق بازنشستگی مبتنی بر آخرین حقوق، دست به وسوسه کارگرانشان زده اند.

این کارفرمایان پیشنهاد "نفس گیری" را به کارگرانشان داده اند: پرداخت یک مبلغ "هنگفت" نقدی به آنان، که به ازای آن کارگران باید از حق بازنشستگی شان چشم پوشند. این اقدام برای "مهار هزینه های سرسام آور بازنشستگی" اعلام شده است.

بنا به اطلاع مشاوران مالی تعداد فزاینده ای از کارگران این پیشنهاد را پذیرفته اند. این نکته موجب کاستن از اعتبار توصیه مشاورانی است که معتقد اند حفظ حق بازنشستگی به نفع بیشترین کارگران است و درآمد ضدتورمی ای را برای تمام عمر آنان تضمین می کند.

جیمز باکستر، مشاور مالی، به فاینانشل تایمز گفته است که "مبالغ پیشنهادی بالاتر از آنی است که تا کنون دیده ایم. بسیاری از شرکتها فعالانه می کوشند از تعهدات شان برای بازنشستگی کارگران "ریسک زدائی" کنند و و امید دارند ای پیشنهادها [توسط کارگران] "برد-برد" تلقی شود.

بانکها، خرده فروشان، و شرکتهای بیمه پیشنهادهایی را به کارگران داده اند که گاه ۳۵ برابر حقوق بازنشستگی آنهاست. سال گذشته این نسبت برای صنایع به طور متوسط ۲۰ برابر بود. این افزایش برای غلبه بر ترس کارگران از قربانی کردن امنیت مالی بلندمدت شان در برابر بهره مالی کوتاه مدت صورت گرفته است.

لئون باکلی، متخصص بازنشستگی، می گوید: "تعداد پاسخهای مثبت به پیشنهاد، نفس گیر است. آنها واقعاً فریب پول نقد را می خورند. اما ریسک یک رسوائی همچنان با این پیشنهادها باقی می ماند: اگر مردم ۱۰ سال دیگر چشم باز کنند و متوجه شوند که بهتر می بود حق بازنشستگی شان را حفظ می کردند."

صاحب نظران می گویند که روی آوردن به پرداخت مبالغ بیشتر ناشی از نرخ بهره پائین است. این سبب افزایش هزینه های تأمین بازنشستگی است.

امتیاز یک باره یک مبلغ "هنگفت" به کارگران برای کارفرمایان، تقلیل تعهدات آتی آنان در موضوع بازنشستگی است.

مشاوران همچنین متذکر می شوند که مبلغ پیشنهادی به کارگران پس از رفراندوم خروج از اتحادیه اروپا (برکسیت)، افزایش قابل توجهی یافته است.

افریقای جنوبی

صدها کارگر "اسکوم" در خطر اخراج

بنگاه سخن پراکنی افریقای جنوبی، ۹ اوت ۲۰۱۶

صدها کارگر اسکوم (شرکت معدن افریقای جنوبی) پس از اقدام به یک اعتصاب ضربتی در روز گذشته (دوشنبه ۸ اوت)، در خطر اخراج قرار گرفته اند.

این کارگران از اعضای اتحادیه ملی معدنکاران افریقای جنوبی (**NATIONAL UNION OF MINWORKERS: NUM**) اند. این اتحادیه، اتحادیه راهبر در شرکت اسکوم است.

بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
شنبه ۲۳ مرداد ۱۳۹۵ / ۱۳ آگوست ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۴۶

علاوه بر این، مدیران شرکت اسکوم و اتحادیه ملی معدنکاران، در مورد افزایش دستمزدها در شرکت مذکور "شاخ به شاخ" شده اند. اتحادیه خواهان افزایش ۱۳ درصدی دستمزدهاست، در حالی که پیشنهاد مدیریت شرکت ۷ درصد است.

اتحادیه می گوید که حدود ۲۲۰۰ نفر از اعضایش از فراخوان به اعتصاب استقبال کرده اند.

سخنگوی اسکوم، خولو فاسیوه، می گوید: "ما امیدواریم کسانی که به فراخوان اعتصاب پاسخ مثبت داده اند، متوجه باشند که یکی از ناگوارترین اقدامات ممکنه توسط شرکت می تواند اخراج آنان باشد. اما ما می کوشیم از این اقدام بپرهیزیم. تیم ما مشغول تهیه لیست حاضران و غایبان است. ممکن است غایبان امروز مجبور شوند همانجا که امروز بودند، بمانند."

اتحادیه عهد کرده است که از اعضایش دفاع کند. پاریس ماشگو، هماهنگ کننده بخش انرژی اتحادیه می گوید: "ممکن است اوضاع در روزهای آتی بدتر شود. تمام شاخه های ما برای شرکت در اعتصاب اعلام آمادگی کرده اند. مقدماً باید تصریح کنم که اخراجی در کار نخواهد بود. ما با تمام توان از اعضا دفاع خواهیم کرد. به نظر ما کسانی که به پا خاسته و حقوق شان را خواسته اند، هیچ کار خطائی نکرده اند."



**علیه سیاست های ضد کارگری
دولت روحانی،
با همه ابزار موجود اعتراض کنیم**